

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته

تا به حال دو آیه از آیات شریفه را بیان کردیم ملاحظه فرمودید که می‌توانیم به ذیل آیه دوم که عبارت از آیه 5 سوره مومنون بود «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَدَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» بر ما نحن فيه و بر مدعای خودمان استدلال کنیم.

استدلال به آیه 23 سوره نساء

دو آیه دیگر از آیات شریفه قرآن مطرح است یکی آیه 23 سوره نساء است: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبنَاتُ الْأَخِ وَبنَاتُ الْأُخْتِ» این آیه شریفه می‌فرماید گروهی از زنها بر انسان حرام است. استدلال به این آیه شریفه بر مدعی این است که در این جا می‌فرماید «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ» نتیجه این می‌شود که بگوییم چه چیز حرام است؟ معنا ندارد ذات این زن حرام باشد، تکلیف به فعلی از افعال تعلق پیدا می‌کند، پس باید فعلی در تقدیر باشد و چون در اینجا فعل معینی آورده نشده از باب حذف المتعلق يدل علي العموم بگوییم هر فعلی حرام است.

در ما نحن فيه که می‌گوییم نطفه مرد در رحم اجنبیه قرار داده شود، مقصود از اجنبیه یعنی غیر از زوجه که حلیله انسان است، پس مادر و عمه و خاله اجنبیه هستند و در این مدعی، غیر از زوج و زوجه عنوان اجنبی و اجنبیه دارد و آیه می‌گوید «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ» و یکی از افعالی که حرام است، قرار دادن نطفه در رحم این مادر است. کسانی که تمایل پیدا کردند به اینکه قرار دادن نطفه در رحم اجنبیه جایز است، فرقی بین این نمی‌گذارند که آن اجنبیه زن غیر باشد یا نباشد، شوهردار باشد یا نباشد از محارم نسبی باشد یا نباشد.

یکی از جهاتی که مجتهد باید در فتوا به آن توجه داشته باشد ابعاد فتوایی است که می‌دهد، لازمه فتوایی کسانی که می‌گویند تلقیح نطفه اجنبی به اجنبیه جایز است این است که منحصر به این نیست که نطفه مرد ناشناسی را در رحم زنی قرار دهند که هیچ قرابتی با مرد ندارد، این یک مصداق است و مصداق دیگرش مادر این فرد است.

بحث توسعه دارد و تکرار می‌کنم کسی که می‌خواهد فتوا دهد به این که قرار دادن نطفه اجنبی در رحم اجنبیه جایز است نمی‌تواند بگوید منظور من از اجنبیه زنی بوده است که هیچ ارتباطی با مرد نداشته، اما در رحم مادرش نه. می‌گوییم چه فارقی وجود دارد؟ بالاخره مادر هم اجنبیه است و چه بسا حرمت او مؤکد هم باشد. اگر شما مسئله جواز را می‌آورید چه وجهی دارد که مادر و خواهر و عمه را جدا بیاوریم؟ و این افراد ملتزم به این هم شده‌اند، کسانی که می‌گویند قرار دادن نطفه در رحم اجنبیه جایز است این مصادیق را هم می‌گویند ولو رحم مادر باشد، رحم خواهر و عمه و... باشد. کسانی هم که می‌گویند جایز نیست

یکی از حرف های آنها این است که اگر بخواهیم بگوییم جایز است انسان مسلمان نمی تواند ملتزم به این باشد که نطفه فرزندش را در رحم مادرش قرار دهند. من استدلالی به ذیل این آیه که با توجه به آن روایت ها باشد ندیده ام. در این آیه سوره نساء حرمت علیکم امهاتکم گفتیم احکام تکلیفیه به ذات تعلق پیدا نمی کند و چون متعلق، محذوف است، **حذف المتعلق يدل علي العموم**، عموم که شد، یکی از مصادیق آن این می شود که قرار دادن نطفه در رحم مادر و عمه و خاله و.... حرام است.

اشکال در استدلال

یک اشکال در استدلال به این آیه این است که قبلاً هم گفتیم که اگر از شما بپرسند که شما به عنوان یک طلبه محقق قبول دارید که **حذف المتعلق يدل علي العموم**؟ می گویند نه، اصلاً این از امور مشهوره ای است که لا اصل لها. ما آیه و روایتی و قاعده ای داریم؛ بله، گاهی اوقات حذف المتعلق به صورتی موجب جزئیة دلالت بر عموم دارد. در هر جایی که متعلق حذف شده است ما باید از قرینه مناسبت حکم و موضوع بفهمیم متعلق چیست؟ در این آیه شریفه گروهی از زنان را بیان می کند؛ مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و خواهر، مادران رضاعی، خواهران رضاعی، مادر زن و ریبیه تا می رسد به «**ان تجمع بین اختیین**» جمع بین دو خواهر، اینجا معلوم می شود که مراد نکاح با اینها است و ازدواج با اینها حرام است، و این قرینه مناسبت حکم و موضوع چنین اقتضایی را دارد.

اشکال دوم به استدلال

اشکال دوم این است که آیاتی که قبل و بعد از این آیه است ظهور خیلی روشنی دارد که آیه راجع به نکاح است «**و احل لكم ما وراء ذلكم أن تبتغوا باموالكم محسنين غير مصافحين**» که دلالت بر نکاح دارد و آیات قبل و بعد همه قرینه می شود بر اینکه مراد در اینجا نکاح است.

استدلال به آیه 35 سوره احزاب

آخرین آیه، آیه 35 سوره احزاب است: «**إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ... وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ**»، اینجا برخی از کسانی که در آیات الاحکام کار کرده اند، مثل جصاص در احکام القرآن در ج سوم ص 47 و ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم ج 3 ص 296 نظیر همان حرفی را گفته اند که در «**الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ**....» گفتیم و عرض کردم شبیه آن در کلام شیخ طوسی در تبیان است.

اینها می گویند آیه اطلاقی دارد که می گوید مرد و زن باید فرج خود را از هر چیزی حفظ کنند الا آن چیزی که ما دلیل بر مباح بودن آن داریم. دقت کنید، آیه دلالت دارد مرد و زن باید حفظ الفرج کنند مطلقاً از هر چیزی، مگر آن چیزی که تصریح به اباحه او شده است. و تنها چیزی که تصریح به اباحه آن شده زوج و زوجه است.

در نتیجه این که ما بگوییم مرد نطفه خود را در رحم غیر قرار دهد یا زن اجازه دهد نطفه غیر در رحم او قرار بگیرد در اطلاق آیه همین قرار می گیرد.

اشکال استدلال به آیه

اگر روایاتی که می‌گویند در قرآن مقصود از حفظ الفرج زنا است نبود، می‌توانستیم به این آیه هم استدلال کنیم.

نتیجه بررسی آیات و روایات

نتیجه این می‌شود که ما از روایات به هیچ وجه نتوانستیم استفاده کنیم و از چهار آیه قرآن که خواندیم فقط از ذیل آیه 5 سوره مومنون استفاده کردیم، «فَمَنْ ابْتَغِي وَرَاءَ ذَلِكَ» که می‌شود به آن استدلال کرد که اهداء جنین حرام است.

بحث شبیه سازی

امروز چیزهایی درست شده به نام شبیه سازی، که دیگر نطفه مرد را نمی‌گیرند، بلکه سلولی از سلول های پوستی و جسمی و به قول خودشان یک سلول های جنسی دارند و یک سلول های جسمی دارند که یک سلول از بدن این مرد می‌گیرند و این را در رحم زن خودش یا رحم زن دیگری قرار می‌دهند و درست بعدها مردی نود و هفت درصد شبیه همین مرد از نظر قد و شکل چهره و چشم و بدن و... بوجود می‌آید.

آیا درست است یا نه؟ که بحث داغ امروز است، که علمای اهل سنت و کلیسا و مراکز اخلاقی غرب و حکومتها تحریم کرده اند، اما بین علمای شیعه، سه یا چهار نظریه وجود دارد. خیلی از آنها می‌گویند به عنوان اولی جایز است اما اگر مفسده داشته باشد نه. فرض کنید سلولی از مرد 20 ساله ای را می‌گیرند و 20 سال بعد، 20 مرد شبیه او متولد می‌شوند و زندگی می‌کنند بحثهای زیاد و جالبی دارد. در مورد رحم اجنبیه اش می‌توان به فمّن ابتغاء وراء ذلک استدلال کرد، به ذیل و اطلاقی که در ذیل آیه وجود دارد.

بازگشت به بحث تلقیح

در مورد تلقیح در رحم اجنبیه من خیلی در میان این ادله دقت کردم بعضی دلالت آیات قرآن را تمام نمی‌دانند و به یک روایت «من اقر نطفته في رحم يحرم عليه» تمسک کرده اند. بهترین دلیل همین ذیل آیه شریفه 5 سوره مومنون است. یک دلیل دیگر هم داریم که در جلسه بعد عرض می‌کنیم.